

تعلیم و تربیت خانوادگی

ار دکتر آئنده مرز استاد کرسی روانشناسی
و معاون پزشکی دانشگاه پلیس و رئیس
معاونین رئیس‌العلی مدارس اولیاء و مربیان

ترجمه دکتر آصفه آصفی
دانشیار دانشگاه تربیت معلم



بدون شک در هیچ زمانی به اندازه
امروز لزوم توجه به بهداشت و مراقبت از
احساسات و قابلیت‌های دوران کودکی درک
و لمس نشده است سرعت آهنگ زندگی
تزلزل و ارتعاش ماشین‌ها از عناصر متزلزل-
کننده‌ای هستند که بر اعصاب انسان مدرنی
که به اندازه کافی و در مواقع مختلف برای
برخورد و مقابله با تمام این مشکلات آماده
نشده است، اثر گذاشته و با ایجاد ناراحتی‌های
فکری و نگرانیها، خورد و بیچاره‌اش مینمایند.
در چنین زمانی مسئولیت خانواده در صدر
همه چیز و همه مسئولیت‌ها قرار گرفته است،
زیرا هم اوست که وظیفه حفظ و حمایت
سوجودی را که در دامن خود بوجود آورده
است در دوران آسیب پذیرش که همانا
دوران کودکی اوست بعهده دارد. بسیار
نادرند خانواده‌هایی که در این زمان و در یک
شهر بزرگ غربی بوظیفه خطیر خویش آگاه
بوده و اکثراً در ذهن و ضمیر ناخودآگاه
خویش مترصد باشند تا «وسائل تخریب»
را که متأسفانه بحد و فور و پیش ساخته عرضه
میشوند بطور صحیح و بنیادی «مشوش
و متزلزل» سازند. چه هیچ چیزی نمیتواند
کار تربیت و پرورش خانوادگی را اگر خوب
و صحیح عمل شود انجام دهد. پدر و مادرها

قسمت سوم :

محافظت و نگهداشت حساسیت، تأثیر پذیری و قابلیت‌ها



میتوانند در بعضی مواقع جدا شدن از فرزند و سپردن وی را به شبانه روزی وقتیکه

احساس کنند تنها راحلی است که میتواند وی را از صدمات و برخوردهای سخت و ابتلاهای مسری که مانند تبی دائمی وجود کودک را میگدازد، تحمل بکنند. ولی نباید بگذارند که این کار بصورت جدائی و اجبار و اقیاد جلوه‌گر شود و در ملاقاتهای نزدیک‌به‌هم ولی کوتاه با فرزندانشان روبرو شوند. و در حالیکه رفتار و گفتارشان راتحت کنترل و سراقیت کامل قرار میدهند سعی کنند آن چیزهایی را که نمیتوانند در برخوردهای مستقیم روبرو با فرزندشان در میان‌گذارند بوسیله نامه‌هایشان به آنها ارائه نمایند. به این طریق ارتباط خانواده را در مورد مسائل اصلی و اساسی حفظ خواهند کرد. جای وحشت و نگرانی است نگرش پدر و مادرهای سهل‌انگار و سطحی که شخصیت و مقام واقعی خودشان را در نظر فرزندانشان متزلزل می‌سازند و فقط مانند ماشین ضبط «خوب‌ها و بدها» به پخش گفتار پندآمیز و یا توزیع و تقسیم پول و شکلات‌تعامت‌مینمایند.

کوشش و نگرانی برای جداسازی کودک از تمام جوانه‌های ناسالمی که در محیط و دنیای شوش و ناکامل وجود دارد، بایستی برابر با احتیاجاتش تعیین و از تصفیه‌های پیشرو، سالم و بارور، برخوردار شود.

مثلا بنظر من انطباق تعلیم و تربیتی کاملاً روستائی چه از نظر روانی و فکری و یا از نظر دیگر بطور مستقیم و کامل بر فرد شهر نشین چیزی ناکامل و سست و ناسالم خواهد بود همانطوری‌که انسان برای حفظ سلامت و دفاع

تصور نمی‌کنم مصالح و منافع کودک بتواند به این روش عمومی تربیت فرزند در شرایطی کاملاً دور و خارج از آینده‌ای که در انتظارش میباشد اکتفا کند. اینجا میخواهم بگویم که

از حملات میکروبی احتیاج به واکسن هادارد این پیش‌گیرها و درمان‌های قبل از وقوع برای مسائل روحی و روانی نیز لازم و ارزشمند می‌باشد. تاریخچه زندگی جوانی که در قرن ۱۸ می‌زیسته بیدام آمد که برای این نوجوان بدبخت تا سن ۱۵ سالگی فقط موضوع سرگ را توجیه می‌کردند و وقتیکه برابر با تحول سنی و بلوغ جوانی می‌خواست سرنوشت موجود زنده را درک کند روحش دستخوش حملات جنون گردید، منظره‌ای حزن‌انگیز از تعلیم و تربیت حزم‌اندیشان آنروز. امروز نیز پیش‌گیری‌ها و احتیاط‌های خطرناکی مشاهده می‌شود. نباید فراموش کنیم که اگر روان‌کاوی مدرن بطور قابل ملاحظه‌ای به ارزش‌ها و اهمیت‌هایی پی‌برده و متوجه گردیده است که کوچکترین حمله و ضربه‌ای می‌تواند احساس و عواطف کودک

را متأثر نماید به این نکته هم توجه مینماید که این تشخیص نمیتواند چیزی جز یک امکان محسوب گردد مخصوصاً اگر موارد تجزیه و تحلیل کمابیش علیل و بیمار هم باشند.

اگر بسیاری از پدر و مادرها هنوز این مسائل جدید را نمیدانند و یا اینکه غفلت کرده و آنها را مورد عنایت قرار نمیدهند (که چند نکته از آن در آخر همین فصل ملاحظه خواهد شد)، برعکس سربانی هستند که در این مورد راه سبالغه پیموده تا حدیکه کوچکترین حرکت و کلامشان جز ایجاد ترس و نگرانی ثمره‌ای ندارد. اگر کسی جرئت داشته باشد که حتی در باره سرانجام‌های پرورشی بسیار اولیه جسمی هم با آنان مشورت نماید

توصیه‌ها و دستوراتی صادر میکنند که همان رفتار عادی و لازم و ضروری راه‌مشکل ساخته و باین شکل طبیعتاً هیچ کاری از نظر آنان جز با ترس و لرز مجاز نیست و در نتیجه چیزی جز «عقب‌گرد و افول» در قدرت حاصل نخواهد شد. (بیرا-بیرا-بیرا با نظر خانم مونتسوری «Mme Montessori» درباره شاگردانی که کلاس درس را باین نظمی‌های پرسروصدای خویش مغشوش می‌سازند) و آنچه که (Beaudouin) «شاگرد عالیقدر» Freiid که بطور چشمگیری توصیف میکند نتیجه این برداشتها چیزی نمیتواند بشود جز دور کردن و فرار دادن فرد منتها با نرمش و بشکل پذیرفته‌ای که نه قابل تشریح و توجیه است و نه میتوان شکلی از آن را ترسیم نمود.

اماد باره قصه‌های پریان *Contes de Fees*

و بعضی حکایات جالب و تشنگ دیگر که معتقدند این آثار علاوه بر اینکه هیچ لطفی ندارند معرف خطرات بزرگ و مهمی هم هستند. مخصوصاً اگر بخواهیم از این آثار نتایج اخلاقی قابل جذب و مؤثری هم برای توسعه فکری بدست آوریم.

اما نمیتوان تمام این مسائل را بدلیل خطرات احتمالی و خیالی، پوچ و نامعقول بحساب آورد و برعکس باید از موارد ارزنده و موجهی که بصورت پیشگوئی و راهنمایی بدست میدهد برای هدایت و تحصیل نتایج اصولی استفاده گردد. اما با تمام این احوال فقدان کامل سربانی را نمیتوان کوچک و ناچیز انگارید بلکه فلج هراس‌انگیزی است که جبرانش بسیار مشکل و شاید غیر ممکن باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
پرتال جامع علوم انسانی